

۹۷... ۱۱

آب

آثار نسیه

این طرح پیشنهادی در مورد قانون اساسی

بعضی آثار رسیده فرستاده چون به زودی قانون

اساس تدوین شده عرض خواهد شد این طرح

را بنده هم میباید تا بفهمان اظهار نظر بعداً

مرد توجه قرار گیرد

کتابخانه آنتالین «ماتقانی» مانه ما»

سازمان تحقیقات و آموزش‌های انقواب اسلامی - خنبا سرگرد رهنمای و مرقم افغند سابق «



کتابخانه آنلاین «طالقانی و زمانه ما»

بسم الله الرحمن الرحيم ، و نريد ان نمن على الذين استضعفوا في الارض و نجعلهم ائمه و نجعلهم الوارثين .

## الف - مقدمه قانون اساسی

۱- پس از پیروزی انقلاب اسلامی ملت مستضعف ایران در ۲۲ بهمن ۱۳۵۷ و شرکت آنان در انتخاب نوع حکومتی که خواستار آن میباشند ، به اتفاق آراء اکثریت قریب به اتفاق ملت مجاهد ایران در ۱۲ فروردین ماه ۱۳۵۸ جمهوری اسلامی را به عنوان رژیم قانونی ایران انتخاب کردند .

۲- رژیم جمهوری اسلامی ، حکومت قوانین اسلام است به دست مردم در تحت رهبری امام و نواب الامام .

۳- در این نوع حکومت ، حاکمیت مطلق از آن الله است . و ملت مجاهد ایران با اتکاء و تعهد به حاکمیت خالق ، حاکمیت مشروع می یابد و اراده حاکمیت خود را در جهت اقامه قسط و نیل به فلاح اعمال مینماید .

۴- تمامی دستگاهها و نهادهای اجتماعی و سیاسی و اقتصادی و اخلاقی که در قلمرو جمهوری اسلامی ایران فعالیت می کنند باید مطابق قوانین اسلام باشند . ملت مجاهد ایران هر دستگاهی را که بخواهد قوانین اسلامی را به هر نام و به هر صورت نقض کند برخلاف اراده حاکمیت خویش مبتنی بر پیروی از جمهوری اسلامی می داند و با تمام نیرو با آن مبارزه کرده و به آن اجازه حیات در قلمرو خویش نخواهد داد .

۵- ملت مجاهد ایران با انتخاب رژیم جمهوری اسلامی متعهد گردیده است که به تمام دستورات خدائی که در کتاب و سنت موجود است عمل نموده و از هرگونه انحراف از آن جلوگیری نماید و امانت ولایات و مسئولیت های سیاسی مملکت خویش را به افراد آگاه و صالحی بسپارد که جز به قوانین اسلامی به صورت صد در صد عمل نکنند .

۶- ملت مجاهد ایران متعهد و ملزم است که از دستگاههای سیاسی صالح برگزیده خویش تا وقتی که قوانین و دستورات و احکام شان منطبق بر قوانین اسلامی باشد اطاعت نماید ، و آنان نیز ملتزمند که حقوقی که ذیلا ذکر میگردد در مورد ملت ایران کاملاً رعایت نمایند .

## ب - حقوق خدائی ملت ایران

۷- اراده حاکمیت ملت ایران با اتکاء به حاکمیت خالق ، حق تشکیل شوراها و عقد قانون ، انتخاب نماینده و انتخاب ریاست جمهوری و اعمال حاکمیت متعهد در تمامی امور اجتماعی خویش را دارد ، هیچ تصمیمی بدون رضای خالق و خلق قانونی نخواهد بود ، و هرگاه ملت ایران بخواهند ، بدون هیچگونه محدودیت زمانی و یا مکانسی و یا تشریفات حق دارند هر تصمیمی را که برخلاف مصالح خویش میدانند در چهار چوب قوانین اسلامی ابطال کنند .

۸- تمامی دستگاههای مقننه و مجریه و قضائیه موظفند که تمام تصمیمات و دستورات و احکام و فعالیت های خویش را به مردم اطلاع دهند ، و در معرض افکار عمومی بگذارند . مگر اموری که فاش شدن آن استقلال مملکت را به خطر افکند .

۹- اراده اکثریت قریب به اتفاق مردم به هر صورت و در هر زمان که ابراز شود به شرط توافق با اسلام قانونی است و بر تمامی دستگاههای سیاسی کشور جمهوری اسلامی ایران حاکمیت دارد .

۱۰- همگی مردم بر اساس اصل امر به معروف و نهی از منکر اختیارات اجرائی محدود برای اجرای قوانین جمهوری اسلامی دارند بدین جهت حق دارند هر کس و هر مقامی را به اجرای قوانین جمهوری اسلامی امر نموده و الزام کنند و از ارتکاب منکرات و نقض قوانین نهی و جلوگیری نمایند و در صورت ارتکاب جرم ، مجرم را دستگیر و به دادگاه صالح اسلامی جلب نمایند .

۱۱- مردم حق دارند به عنوان نظار و شهود و مشاورین در دادگاه اسلامی حضور یابند و در اجرای عدالت در محاکم قضائی نظارت و دخالت داشته باشند و از حضور هیچکس در دادگاه اسلامی نمی توان جلوگیری به عمل آورد مگر آنکه حیثیت فردی و خانوادگی و یا اخلاق عمومی و یا استقلال مملکت به خطر افتد .

۱۲- مردم حق انتخاب و استیضاح هر مقام سیاسی مسئول را دارند ، مقام سیاسی مسئول هم مجبور است که جوابگو باشد ، و در صورتیکه مردم با اکثریت قاطع پاسخ او را قانع کننده ندانند و بدو رای عدم اعتماد دهند باید بلافاصله بدون هیچ تشریفات استعفا دهد .

۱۳- هر فرد از افراد ملت ایران از تمامی آزادی های فردی در چهارچوب قوانین اسلامی برخوردار است و هرکسی حق آزادی عقیده ، آزادی بیان ، آزادی قلم ، آزادی انتخاب محل سکونت و مسافرت و انتخاب مقصد و شرکت و فعالیت در گروه های ایدئولوژیکی و سیاسی و احزاب و تشکیل اجتماعات را دارد . آزادی مطبوعات نیز جزو ارکان جمهوری اسلامی است . البته قلمرو آزادی تا جایی است که حقی ابطال نگردد و ستمی روا نشود و فساد یازیانی معنوی یا مادی به جامعه نرسد و حرمت دین و ایمان مردم حفظ شود زیرا در جمهوری اسلامی حقوق مشروع جامعه و مصالح اجتماعی و اسلامی مقدم بر حقوق فردی و مصالح فردی است .

۱۴- هر فرد در جمهوری اسلامی حق تامین نیازهای مشروع خویش را از راه های مشروع دارد ، و در صورت عدم توانائی بر دولت اسلامی است که کاملاً نیازهای متعارف او را تامین نماید ، و حق او را از بیت المال بدهد .

۱۵- هر فرد مالک دسترنج و تلاش مشروع خویش میباشد . و در قبال این مالکیت نیز باید ملتزم مسئولیتها و تعهدات اقتصادی جمهوری اسلامی باشد و هیچکس حق ندارد که محصول تلاش و کوشش دیگری را به هر صورت و هر نام تصاحب کند ، مگر آنکه بدو هبه شود .

۱۶- مالکیت بر تمامی منابع طبیعی زمینهای موات ، دریاها ، و رودخانه ها ، کوهها جنگلها و نیزارها و صحراها و آنچه در آنهاست و معادن از آن نماینده امت یعنی امام و نائب الامام است . و مالکیت بر هر چیز بی صاحب و مجهول المالک و ارث بی وارث و تمامی آنچه از اموال رزیمه های پیشین بازمانده است در صورتی که غصب نباشد و صاحب معلومی نداشته باشد و همچنین غنائم گرانبهای جنگی و هر چه از جنگی بدست آید که بدون اذن امام یا نائب او انجام شده است ، همه این موارد نیز از آن اوست که در جهت منافع جمهور مردم باید بکار ببرد .

۱۷- مالکیت بر سرمایه های بزرگی که مالکیت فردی بر آن تکاثر و انحصار ایجاد می کند از آن نماینده امت یعنی امام و نائب الامام است .

۱۸- مردم در چهارچوب مشترکند در آب و آتش و سوخت - نمک - کلاه . و هرکس به اندازه احتیاجش می تواند بردارد .

۱۹- موقوفات از هر نوع مالکیتی خارج شده و فقط در مالکیت خداست و تنها منافعی به مواردی میرسد که در وقف نامه ذکر گردیده است .

۲۰- هیچگونه تصرف و تغییر شکل بر روی منابع طبیعی بدون اذن امام و نائب امام جایز نیست و هیچگونه تصرف و تغییر شکلی بر روی منابع طبیعی با وجود اذن امام آن را از مالکیت امام بیرون نمی برد بلکه حقی برای فرد و یا افراد متصرف ایجاد می کند که به صورتیکه به مصلحت جامعه اسلامی است در اختیار او قرار می گیرد .

۲۱- سهم همه مردم از بیت المال پس از کسر مخارج دولت اسلامی و نیاز نیازمندان از آن بدون هیچ امتیاز مساوی است و هر ماه باید به آنها پرداخت گردد .

۲۲- قوانین جمهوری اسلامی برای تمامی افراد مملکت یکسان است و همه در برابر قانون مساوی هستند ، بدون در نظر گرفتن نژاد و مذهب و هرچیز دیگر .

تبصیره ۱- حقوق اقلینها براساس قوانین اسلامی محفوظ است .

۲۳- جسم و جان و روان و ناموس و آبرو و اموال شهر وندان جمهوری اسلامی محترم و مصون است و هرگونه تعرض بدان از سوی هر مقامی جرم است . و هرچه به جسم و جان و روان انسان بهر شکل و بهر عنوان آزار و زیان رساند ممنوع است .

۲۴- خانه هرکس حریم امن اوست و بدون اجازه او نمی توان وارد آن شد مگر با حکم رئیس دادگاه یا رئیس جمهور اسلامی .

تبصیره ۱- منظور از خانه اعم از خانه استیجاری و غیره است .

### ج- دستگاه مقننه

۲۵- منبع قانون حاکمیت خدا و قوانین شرع مقدس اسلام و اراده متعهد به شرع مردم می باشد ، بدین لحاظ دستگاه قانون گذاری جمهوری اسلامی از دو بخش تشکیل یافته است . یکی شوراهای مردم و دیگری رهبری امام و نائب امام .

۲۶- دموکراسی اسلامی ، دموکراسی مستقیم است و اراده حاکمیت مردم بدون هیچ واسطه در قوه مقننه اعمال میشود ، لذا در جمهوری اسلامی مردم خودشان مستقیماً تصمیم میگیرند و نیازی به کنگره بازی های غربی ندارند .

۲۷- دموکراسی اسلامی از طریق شوراهای مردم اعمال میگردد ، بدین ترتیب که در هر شهر و یا منطقه مسکونی نسبت به کثرت جمعیت هر صد تا هزار نفر یک شورای مردم منطقه تشکیل می دهند ، و تصمیمات و پیشنهادات خود را به شورای مرکزی شهر از طریق دو نماینده خویش گزارش میدهند .

۲۸- هر شورای مردم منطقه دو نماینده به شورای مرکزی مردم شهر می فرستد . این شورا گزارشات خود را پس از شور و مشورت با توافق اکثریت دوسوم اعضاء بصورت لایحه های تنظیم مینمایند . در تهیه این لوایح باید فقط تصمیمات و پیشنهادات شوراهای مناطق شهر منعکس گردد .

۲۹- شورای مرکزی هر شهر دو نفر از بین خود انتخاب می کند تا بعنوان وکیل شورا این لایحه را به شورای مرکزی استان ببرد شورای مرکزی استان از وکلاء شورا های شهرستانها تشکیل می گردد ، در این شورا لوایح مردم شهرستانها با یکدیگر مقایسه و جمع و تعدیل میگردد ، و در صورت تعارض برای تجدید نظر به شوراهای شهرستانها فرستاده میشود تا جرح و تعدیل گردد ، در غیر این صورت خواسته های متعارض ساقط خواهد بود و لوایحی را می توان به شورای کل مردم فرستاد که همه شوراهای شهرستانها در آن توافق کرده باشند .

۳۰- شورای مرکزی هر استان دو وکیل از بین خود انتخاب کرده و به شورای کل مردم میفرستد ، لوایح تنظیم شده در شورای مرکزی استان ، در شورای کل مردم طرح میگردد و پس از مقایسه و جرح و تعدیل لوایح استانها لایحه واحدی تنظیم و به شوراهای شهرستانها فرستاده میشود و از طریق روزنامه های کثیرالانتشار و رادیو تلویزیون به گوش مردم میرسد . در مرحله نهائی لوایح مذکور باید به تصویب اکثریت قریب به اتفاق شوراهای شهرستانها برسد .

- ۳۱- شورای کل مردم لویایح تصویب شده را نزد امام میفرستند تا پس از تطبیق با موازین شرعی تصویب و برای اجرا به قوه مجریه ابلاغ نمایند .
- ۳۲- جلسات شوراهای منطقه‌ای هر شهر به خواست اعضای آن میتواند هرگاه که لازم باشد تشکیل شود ولی حداقل باید سه هفته به سه هفته با حضور همه اعضا به تحلیل مسائل اجتماعی و سیاسی و بررسی لویایح بپردازند .
- ۳۳- جلسات شورای مرکزی شهرستان هرگاه که لازم باشد با خواست دوسوم نمایندگان تشکیل می‌گردد . ولی حداقل چهار هفته به چهار هفته جهت هماهنگی فعالیت شوراهای منطقه‌ای باید تشکیل شود .
- ۳۴- شورای مرکزی استان حداقل پنج هفته به پنج هفته و یا بخواست دوسوم از نمایندگان شهرستانها هرگاه که لازم باشد تشکیل میگردد .
- ۳۵- شورای کل مردم حداقل بایستی دوماه یک مرتبه اجلاس داشته باشد و هرگاه لازم باشد باخواست دوسوم اعضا و یا به دعوت رئیس جمهور تشکیل جلسه بدهد .
- ۳۶- در صورتیکه در شورای کل مردم اختلافات نمایندگان و شوراهای استانها حل نشود آخرین مرجع حل اختلافات امام یا نائب امام میباشد . زیرا قرآن میفرماید  
فان تنازعتم فی شیء فردوه الی الله والرسول . و میدانیم امام و نائب امام جانشین رسول الله میباشد .
- ۳۷- وظایف امام بعنوان رهبری شوراهای مردم اول نظارت بر تصمیمات و تصویبات شوراهای مردم و تطبیق آن با قوانین شرع و مصالح جامعه اسلامی .
- تبصره ۱- امام لویایح شوراهای مردم را از نظر حقوقی و از نظر علمی مطالعه کرده و پس از تطبیق با موازین شرعی و مصالح جامعه اسلامی تصویب میکند و تصویب این لویایح به منزله شرعی شدن و واجب الاجرا بودن این لویایح از طرف جمهوری اسلامی است و هیچ مقامی حق نقض آن را ندارد مگر تصمیم مجدد شوراهای مردم و امام .
- ۳۸- دوم - مرجع نهائی حل تمامی اختلافات مردم با یکدیگر و یا اختلافات آنان با سایر قوای مملکتی و کلیه اختلافات کشور امام میباشد .
- ۳۹- سوم - تدوین و تنظیم قوانین و مقررات و احکام شرعی جمهوری اسلامی به عهده امام و شورای منصوب از طرف اوست .
- ۴۰- چهارم - رعایت قوانین و حدود شرعی و حفظ مصالح مردم بر مبنای کتاب و سنت به عهده امام میباشد .
- ۴۱- پنجم - تفسیر قوانین کشور جمهوری اسلامی از اختیارات امام و شورای منصوب از طرف او میباشد .
- ۴۲- انتخابات ریاست جمهوری رئیس جمهور اسلامی همان امام است که حکومت او بر قوه مجریه بمعنای حکومت قوه مقننه بر قوه مجریه در جمهوری اسلامی است .
- ۴۳- ضوابط و شرایط رئیس جمهور اسلامی اول - مسلمان و عاقل و بالغ و رشید و حلال زاده باشد . دوم - مجتهد جامع الشرایط الفتوی باشد . سوم - اعلیٰ مردم در فقه سیاسی اسلامی باشد . چهارم - اقوای مردم در اداره مملکت باشد و ضعف فکری یا اخلاقی یا روحی و یا اجتماعی نداشته باشد . پنجم - سابقه سوء اخلاقی و سیاسی نداشته و عادل باشد ششم - اتقی باشد و آثار تقوی در رفتار و کردارش بصورت التزام رعایت قوانین اسلامی اجرایی واجبات و مستحبات و ترک محرمات و مکروهات آشکار باشد .
- تبصره ۱- در صورت تعارض در اعلیٰ و اتقی و اقوی بودن کاندیداها تقدم و اولویت با اعلیٰ است .

۴۴- انتخاب ریاست جمهوری دو مرحله‌ای است :

مرحله اول - شورای انقلاب بر اساس ضوابط فوق فرد و یا افرادی را به عنوان حائز شرایط ریاست جمهوری به مردم معرفی مینمایند .

تبصره یک - شورای انقلاب از فقها و دانشمندان امین و عادل و انقلابی مسلمانی میباشد که بوسیله شورای کل مردم با مشورت و خواست شوراهای منطقه‌ای انتخاب میگردند .

تبصره دو - تعداد افراد شورای انقلاب در هر زمان بوسیله شوراهای مردم تعیین می‌گردد .

تبصره سه - مدت عضویت افراد شورای انقلاب برای همیشه است مگر آنکه عدالت آنان ساقط گردد و یا

شوراهای مردم با اکثریت آراء آنها را عزل نمایند .

۴۵- در مرحله دوم مردم با آراء آزاد خویش آن فرد یا یکی از افراد معرفی شده توسط شوراهای ریاست

جمهوری خود انتخاب میکنند .

۴۶- شرایط انتخاب کنندگان :

اول - بلوغ و عقل و رشد ، دوم تبعه ایران ، سوم - نداشتن محرومیت اجتماعی .

۴۷- تعیین سن رشد در هر زمان بعهدده شوراهای مردم و با تصویب امام است .

۴۸- پس از انتخاب شورا و بیعت آراء مردم با اتمام قرائت آراء ، بلافاصله رئیس جمهور بعنوان نماینده قوه

مقننه بر قوه مجریه دارای مسئولیت و اختیارات سیاسی خواهد بود و متصدی مقام خود خواهد شد .

۴۹- مدت زمان ریاست جمهوری نامعین است و از وقتی که فردی به ریاست جمهوری انتخاب میگردد

و تا زمانی که از طرف شورای انقلاب و با تأیید  $\frac{2}{3}$  مردم عزل نگردیده است ، در مقام خود باقی است .

۵۰- اگر اعضای شورای انقلاب و  $\frac{2}{3}$  مردم بهر صورت رأی به عدم اعتماد و یا عزل ریاست جمهوری

دادند اختیارات ریاست جمهوری از او سلب و مستقیماً در اختیار شورای انقلاب قرار میگیرد .

۵۱- شورای انقلاب موظف است در اسرع وقت و حداکثر پس از یک ماه فرد و یا افرادی را برای تصدی ریاست

جمهوری به مردم معرفی نماید و انتخابات نیز باید بلافاصله شروع شده و حد اکثر رای گیری و قرائت آراء باید یک

کتابخانه آنلاین «طاقان» زمانه ما

هفته پس از معرفی فرد یا افراد صالح بمنظور تصدی ریاست جمهوری انجام گردد .

۵۲- مسئولیتها و وظائف و اختیارات رئیس جمهور اسلامی

۵۲- رئیس جمهور اسلامی مقامی مسئول است و اساساً در دستگاه سیاسی اسلامی هیچ مقام غیر مسئول وجود

ندارد . رئیس جمهور اسلامی دارای مسئولیتهای اعتقادی و سیاسی ، جزائی و مدنی است . مسئولیت اعتقادی و ارشادی

عبارت است از اینکه رئیس جمهور اسلامی مسئول است که با رهبری خویش به مردم آگاهی و رشد اعتقادی و سیاسی

داده و اول از همه خود نمونه رفتار اسلامی باشد . و امام بعلت داشتن علم و عصمت نائیب امام به سبب داشتن علم و

تقوی رهبری اعتقادی و ارشادی را به عهده دارند . و مسئول درستی رهبری خویش هستند .

۵۳- رئیس جمهور اسلامی مسئول درستی تمامی دستورات و تصمیمات و عملیات سیاسی خود و ماموران

جمهوری اسلامی میباشد ، و باید کلیه فعالیتهای سیاسی دولت اسلامی را منطبق بر قوانین شرع و متضمن مصالح امت

نماید ، و از این نظر در برابر شوراهای مردم و همه افراد تابع جمهوری اسلامی مسئول است . و باید پاسخگوی کلیه

سئوالات و انتقادات و استیضاحات آنان باشد و در صورتیکه از عهده اثبات این دو ضابطه یعنی انطباق بر قوانین

شرع و تضمین مصالح امت در عملیات سیاسی خویش برنیاید معزول گشته و باید محاکمه گردد .

۵۴ — رئیس جمهور اسلامی به مانند هر فرد دیگر در صورت ارتکاب جرم در دادگاه شرع اسلامی محاکمه گردیده و در صورت اثبات مجرمیت به قصاص و یا حد و یا سایر مجازاتهای اسلامی دیگر محکوم میگردد که در این صورت عدالت او ساقط شده و از ریاست جمهوری اسلامی منزل است . و اختیارات از او سلب میگردد .

۵۵ — در صورتیکه رئیس جمهور اسلامی مرتکب جرم خطائی گردد ملتزم به پرداخت جریمه و یا دیه است ولی از مقام ریاست جمهوری منزل نخواهد بود .

۵۶ — رئیس جمهور اسلامی دارای مسئولیت مدنی است بدین معنا که از نظر قوانین مدنی با همه مردم یکسان است . و به هیچ وجه نمیتواند حقوق مدنی شهروندان جمهوری اسلامی را نادیده بگیرد . و نیز وی میبایست در برابر هر دعوی مدنی پاسخگو باشد ، و در صورتیکه دادگاه اسلامی او را ملزم به پرداخت خسارت نماید مسئول است که آنرا تادیه کند .

۵۷ — رئیس جمهور اسلامی دارای اختیارات ارشادی ، اجتماعی و اخلاقی است و بایستی بر اساس این اختیارات ، تشکیلاتی ایجاد و رهبری نماید . که به مردم جامعه اسلامی بصیرت ایدئولوژیکی و شناخت علمی بدهد و با بالابردن سطح دانش و بینش سیاسی مردم راه را برای تکامل تاریخی ، جهانی امت بگشاید .

۵۸ — رئیس جمهور اسلامی باید با رهبری خود و ایجاد تشکیلات تربیتی مردم را بر اساس اخلاق انقلابی اسلام تربیت نماید ، بدین معنا که با بالابردن سطح فرهنگ توحیدی و ایمان و تقوای مردم و مبارزه با فساد اخلاقی و ریشه کن کردن عوامل تباهی جامعه انسانی اسلام را بنیان نماید و تکامل دهد .

۵۹ — رئیس جمهور اسلامی مسئول بالابردن سطح تمدن و رفاه جامعه اسلامی و خدمات عمومی و رساندن حقوق بیت المال به مردم است . او مسئول است که با استفاده از اختیارات اقتصادی و اجتماعی و علمی و فنی واداری دولت خویش خدمات عمومی زیر را برای همه مردم فراهم کند .

۱ — غذا و ارزاق عمومی ۲ — مسکن ۳ — تامین کار و جلوگیری از بیکاری به هر شکل ۴ — تامین مخارج تحصیلات و تحقیقات و اکتشافات و اختراعات ۵ — کفالت عمومی و تامین تمام نیازهای مادی و معنوی مردم ۶ — بیمه ملی عمومی از دوران کودکی تا پیری و حق بازنشستگی و بیمه حوادث و سایر انواع بیمه ۷ — سرپرستی کامل خانواده ها و فرزندان بی سرپرست ۸ — وام دادن به وام داران درمانده و تولیدکنندگان جامعه اسلامی ۹ — بهداشت و درمان ملی و مجانی . ۱۰ — آبادانی کشور و سایر نیازهای مادی اجتماع .

۶۰ — رئیس جمهور اسلامی موظف است که با مردم به تساوی رفتار کند و از نظر حق و عدل و اجرای قانون ، مردم در برابر او مساوی باشند . و او نیز با مردم مساوی باشد ، حتی از نظر زندگی مادی مسئول است که سطح زندگی مادی او و درآمد او با پائین ترین فرد جامعه اسلامی برابر باشد ، و در سختی ها و مصیبت ها و قحطی ها و حوادث با مردم شریک و یکسان باشد .

۶۱ — رئیس جمهور اسلامی حق ندارد برتری جوئی کند و به دیگران فخر بفروشد و نباید انتظار مدیحه سرائی و تشریفات رایج در حکومتهای غیر اسلامی و احترامات توهین آمیز و تحقیر کننده مردم را داشته باشد . اینگونه احترامات و تشریفات در جمهوری اسلامی غیر قابل تحمل است و در صورتیکه مردم بر اثر اشتیاق به رهبر انقلابی و عادل خویش بخواهند دست به چنین اعمالی بزنند براو واجب است که تمام قوا از آن رفتار جلوگیری کرده و مردم را ارشاد نماید .



۶۲- رئیس جمهور اسلامی بایستی به مردم عشق بورزد و آنها را دوست داشته باشد و با آنان با محبت و فروتنی رفتار کند ، و جامعه‌ای براساس برادری و محبت متقابل بنا سازد نه براساس قلدری و ارباب .

۶۳- رئیس جمهور اسلامی همواره بایستی نسبت به خطاها و لغزشها و احیاناً رفتاری که ممکن است از روی جهل و اشتباه از برخی مردم سر بزند با گذشت و عفو و بزرگواری رفتار کند نه با عقوبت و انتقام ولی حق ندارد چیزی از حق جامعه و حق الناس را ببخشد ، مگر با رضاء و خواست آنها .

۶۴- رئیس جمهور اسلامی بایستی همیشه به نیازها و خواسته‌های مشروع اکثریت مردم توجه کند و بخواسته‌های اقلیت و یا دسته و قشری خاص اگر با خواست اکثریت مخالف باشد ، توجه ننماید . هرچند این عمل موجب به وجود آمدن نارضایتی آنها گردد زیرا پایه‌ها و ستونهای جمهوری اسلامی بردوش توده مردم قرار دارد ، و این توده‌ها هستند که همواره پرچمدار و نگاهبان انقلاب اسلامی می‌باشند .

۶۵- رئیس جمهور اسلامی مسئول است ، هر وعده‌ای را که به مردم میدهد عمل کند مگر اینکه آن وعده با مصالح ملت و سرنوشت جامعه اسلامی و با حقوق مردم مبیانت یابد ، در این صورت رئیس جمهور اسلامی بایستی مردم را در این مورد روشن سازد و توضیح کافی بدهد .

۶۶- رئیس جمهور اسلامی موظف است دائماً با مردم تماس داشته باشد و هر یک از افراد ملت بتوانند کتبا یا شفاهی و خصوصی و یا عمومی با او تماس بگیرند و از این نظر او مسئول است دائماً مستقیم و یا غیر مستقیم با مردم در تماس باشد . و آنچنان نباشد که حاجایی ایجاد کند که مردم نتوانند با او تماس بگیرند . و او مسئول است روزهای را تعیین نماید که شخصاً در شورا‌های مردم حضور یابد و نیازها و خواسته‌ها و لوایح پیشنهادی مردم را جویا شود ، و شکایات و انتقادات آنان را بشنود و جواب گوید .

۶۷- رئیس جمهور اسلامی حق ندارد هیچ موضوعی را از مردم پنهان کند ، مگر امور مربوط به جنگ و مسائل امنیتی که آگاهی دشمن برآن برای اسلام و مسلمین و کشور خطرناک باشد ، اما در سایر موارد سیاسی و اداری مردم بایستی در جریان تمامی تصمیمات و عملیات دولت باشند .

۶۸- رئیس جمهور اسلامی و وزرای او مستقیماً در برابر همه مردم مسئول اند ، و هر کس حق دارد کتبا یا شفاهی و حضوراً در هر مورد از امور سیاسی و حقوقی داخلی و خارجی مملکت خویش از آنها توضیح بخواهد و انتقاد نماید مگر امور دفاعی و اسراری که فاش شدن آنها ، آزادی و استقلال مملکت اسلامی را بخطر بیاندازد و رئیس جمهور اسلامی نیز وظیفه دارد شخصاً یا وکالتاً ، کتبا یا شفاهی باو پاسخ روشن و توضیح کافی بدهد و در امور دفاعی و اسرار مذکور رئیس جمهور اسلامی وظیفه دارد توضیحات لازم را به شورای انقلاب بدهد .

۶۹- رئیس جمهور اسلامی بالاترین مقام مسئول اجرایی است و بایستی دستگاه اجرایی کشور اسلامی و همه مردم را در جهت اجرای قوانین اسلامی رهبری نماید . وی ولایت و اختیارات سیاسی تام برای اجرای قوانین اسلامی را دارد ، اما اطاعت و پیروی مردم از او فقط تا جایی است که دستوری خلاف اسلام و مغایر با قوانین شرعی و وضعی نداده است . اسلام اطاعت را مقید و مشروط به تعهد به شرع میدانند . رئیس جمهور اسلامی متعهد است که نظام اجتماعی ، سیاسی ، اقتصادی اسلامی را برپا دارد و با ایجاد یک جامعه سیاسی اسلامی و پیاده کردن اقتصاد اسلامی در آن ، هدفهای اجتماعی اسلام ، یعنی دموکراسی متعهد به خدا و جامعه توحیدی را تحقق بخشد .

۷۰- رئیس جمهور اسلامی موظف است آنچه درباره مصالح مملکت اسلامی به تصویب شوراهاى مردم رسیده است و با شرع مقدس اسلام تعارضی ندارد تصویب نموده و بدون تاخیر بمرحله اجرا درآورد و اختیارات لازم را برای اجرای کلیه مصوبات را داراست . او می تواند این اختیارات و وظایف را به کارمندان ادارات و دواير خویش منتقل سازد ولی رئیس جمهور اسلامی مسئول نظارت و کنترل برانجام صحیح و دقیق آنها می باشد .

۷۱- رئیس جمهور اسلامی در برابر شوراهاى مردم مسئول است و باید شخصا در شورای کل مردم کسب نمايندگان بصير و امين مردم تشکیل شده حضور یابد و به سئوالات و انتقادات آنها پاسخ داده ، به تقاضاهای و پیشنهادات آنان رسیدگی نموده و به آنها ترتیب اثر دهد .

۷۲- شوراهاى مردم حق استيضاح رئیس جمهور اسلامی را براساس ضوابط قانونی دارند .

۷۳- رئیس جمهور اسلامی ، حق انحلال شوراهاى مردم را ندارد و فقط می تواند با ارائه مدارک و دلایل قانع کننده نفی صلاحیت و عدالت از یکی از وکلای شوراهاى مردم نموده و از مردمی که این فرد نماینده آنهاست بخواهد فرد صالح دیگری را بجای او تعیین نمایند .

۷۴- رئیس جمهور اسلامی می تواند در مجالس شورا حضور یافته و برنامه ولایحه به آن تقدیم کند .

۷۵- رئیس جمهور اسلامی حق دارد تقاضای تشکیل جلسه فوق العاده از شورای کل مردم نماید .

۷۶- قانون در اسلام برای همه ، از اعلی تا ادنی مساوی بوده و یکسان اجرا میگردد و رئیس جمهور اسلامی نیز بجز از راه قانون و یا توسل به محاکم قضائی نمی تواند ادعای حقی بنماید و در امور قضائی ، دولت اسلامی تابع محاکم قضائی است .

۷۷- رئیس جمهور اسلامی و تمامی اعضاء و کارمندان دولت اسلامی ، با هر مقام و رتبه حق ندارند فردی را بدون محاکمه و محکومیت قطعی در دادگاه صالح اسلامی جریمه کرده یا در بازداشت نگاهداشته و یا زندان نموده و یا بقتل برسانند . و در صورت ارتکاب چنین اعمالی ، چنانچه به عمد انجام شده باشد ، رئیس جمهور اسلامی و یا هر منصب اجرایی دیگر از مقام خویش معزول و منفصل و محاکمه می شود ، و در صورت سهو یا خطا باید دیه و جریمه پرداخت نمایند .

### کتابخانه آنلاین «طالقانی و زمانه ما»

۷۸- رئیس جمهور اسلامی وظیفه دارد احکام عادلانه محاکم قضایی را اجرا نماید و بدین منظور دستگاههای

اجرائی و کلیه نیروهای خویش و مردم را بسیج کند و اجرای عدالت را حتی لحظه ای به تاخیر نیاندازد و نیز ظلم را به هیچ صورت و در هیچ لحظه ای تحمل ننماید .

۷۹- رئیس جمهور اسلامی بعنوان عضو برگزیده قوه مقننه حق نصب و عزل قضات را دارد .

۸۰- رئیس جمهور اسلامی وظیفه دارد که بر فعالیتهای قضات نظارت کند که فعالیت آنها بر اساس اراده قوه مقننه باشد . ولی حق هیچگونه اعمال نفوذ در فعالیتهای آنها را ندارد .

۸۱- رئیس جمهور اسلامی اختیار عفو و بخشودگی مجرمین و یا تخفیف مجازات آنها را ندارد ، بلکه تبرئه یا عفو یا مجازات و یا تخفیف و یا تشدید مجازات براساس قوانین اسلامی صورت میگیرد و بس .

و- دستگاه اجرائی جمهوری اسلامی و ولایت مجریه

۸۲- رئیس جمهور اسلامی بعنوان عضو برگزیده قوه مقننه ، دستگاه و قوای مجریه را در جهت اجرای اراده قوه

مقننه رهبری مینماید .

۸۲- رئیس جمهور اسلامی بمنظور رهبری قوه مجریه یک سازمان مرکزی بنام دارالولایه یا سازمان مرکزی ریاست جمهوری ایجاد مینماید. این سازمان با کمک ستاد و شوراها و دوائر و سازمانها و ادارات وابسته به خود رهبری عمومی و هماهنگی و نظارت و بازرسی وزارتخانهها و سایر سازمانها و دوائر دولتی را بعهده دارد.

۸۳- انتخاب و تعیین وزراء و استانداران و روسای ارشد بعهده رئیس جمهور اسلامی است. وی مسئول دول درستی انتخاب خویش از نظر امانت و کفایت (شرعی و فنی و اداری) آنان و مسئول نظارت و بررسی کنترل فعالیتهای آنها میباشد. رئیس جمهور اسلامی موظف است در صورت اشتباهکاری و یا فساد و انحراف و یا عدم رضایت مردم آنان را از خدمت منصرف کند.

۸۴- رئیس جمهور اسلامی موظف است برای اجرای قوانین اسلامی و مصوبات شوراها، برنامه ها و دستورات و بخشنامهها و عهدنامههای لازم را صادر کرده و به مقامات و سازمانهای مسئول ابلاغ نماید.

۸۵- فرمان دفاع و یا حکم جهاد و تعیین استراتژی عالی و فرماندهی عالی کل قوای مسلح، عقد و پیمان هدنه و صلح و امور مربوط به آنها وظیفه رئیس جمهور اسلامی یعنی امام میباشد.

۸۶- تعیین سیاست خارجی جمهوری اسلامی مبتنی بر حقوق بین الملل اسلامی و حفظ استقلال و تمامیت ارضی کشور جمهوری اسلامی و پشتیبانی از نهضت های اسلامی و قیام مستضعفین در جهان و همزیستی مسالمت آمیز با مردم دنیا بعهده رئیس جمهور اسلامی است.

۸۷- تعیین سفراء و فرستادگان اسلامی و مسئولیت پذیرش و مذاکره با نمایندگان ملتها و دولتها و سفراء خارجی بعهده رئیس جمهور است.

۸۸- ریاست دستگاههای قوه مجریه در تحت رهبری رئیس جمهور اسلامی بعهده هیئت وزراء است.

۸۹- در نظام جمهوری اسلامی نخست وزیر وجود ندارد بلکه اختیارات او مستقیماً بین وزراء تقسیم میگردد.

۹۰- مسئولیت هر وزیر مربوط به وزارتخانه خود میباشد و تنها مسئولیت مشترک هیئت وزراء هماهنگی

فعالیت وزارتخانهها و عملیات مشترک آنها و یا دوائر وابسته به آنهاست.

۹۱- نصب وزراء از طرف رئیس جمهور اسلامی براساس ضوابط اسلامی که در عهد نامه امام به مالک اشتر

آمده و با رای اعتماد شوراهاست.

۹۲- عزل وزراء بوسیله رئیس جمهور اسلامی بمنظور تضمین مصالح ملت میباشد.

۹۳- هر وزیر پس از نصب به مقام وزارت مسئول است که حداکثر ظرف یک ماه سیاست کلی وزارتخانه خود

و برنامه ریزی کلی فعالیتهای آن را به اطلاع ریاست جمهور و شوراهاى مردم برساند و پس از تصویب رئیس جمهور اسلامی و شوراهاى مردم قابل اجرا میباشد و در غیر اینصورت باید تغییر یابد.

۹۴- هر وزیر پس از تثبیت مسئولیت و اختیارات خود باید معاونین و کارمندان وزارتخانه خود را تعیین

نماید و او مسئول حسن انتخاب خود میباشد.

۹۵- هر وزیر وظیفه دارد که تمام فعالیتهای وزارتخانه خود و دوائر و ادارات تابعه آنها بر اساس تصویبات

قوه مقننه و دستورات و بخشنامههای رئیس جمهور اسلامی تنظیم و برنامه ریزی و مدیریت نماید.

۹۷- هر وزیر مسئول صحت تصمیمات و عملیات خود و تمامی کارمندان و ماموران وابسته به وزارتخانه خود میباشد و باید پاسخگوی رئیس جمهور اسلامی و شوراهاى مردم باشد .

۱۰۴- بطور کلی وزراء دارای مسئولیتهای سیاسی ، اداری ، جزائى و مدنى هستند .

۹۹- در جمهوری اسلامی تشکیلاتى مستقل وجود دارد بنام امر به معروف و نهی از منکر که بر فعالیت تمام

افراد جامعه و مقامات و سازمانها و دوائر سیاسى نظارت میکند که به منظور تسلط مردم بر قوه مجریه است .

۱۰۰- هر شورای منطقه گذشته از اختیارات تصمیم گیری و قانون گذاری دارای قدرت اجرائى امر به معروف و

نهى از منکر نیز هست و کلیه فعالیتهاى اجتماعى و سیاسى را نظارت و کنترل مینماید .

۱۰۱- برای هماهنگی فعالیت امر به معروف و نهی از منکر شوراهاى منطقه ، شورای مرکزی شهر کمیته ای ایجاد

میکند که فعالیت امر به معروف و نهی از منکر را در سطح شهر سازمان داده و رهبری کلی میکند .

۱۰۲- شورای مرکزی هر استان یک کمیته امر به معروف و نهی از منکر استان ایجاد میکند که فعالیت کمیته های

امر به معروف و نهی از منکر شهرستانها را هماهنگ نموده و رابطه میدهد .

۱۰۳- شورای کل مردم کشور جمهوری اسلامی یک کمیته امر به معروف و نهی از منکر کل کشور ایجاد می کند که

در تحت فرماندهی وزارت امر به معروف و نهی از منکر که بوسیله شورای انقلاب سازمان داده میشود فعالیت مینماید و

کارش هماهنگی و ارتباطات و بازرسی کمیته های امر به معروف استانها و شهرستانها و فعالیت شوراهاى منطقه ای است .

۱۰۴- امر به معروف و نهی از منکر مستقیماً بوسیله شوراهاى منطقه ای اعمال میگردد و اختیارات آنها عبارت

است از نظارت عمومى ، بازرسی ، کنترل ، اطلاعات ، ارشاد امر به اجرای قانون ، نهی از ترک قانون ، به کار بردن

وسائل الزام آور برای اجرای قوانین ، جلوگیری از نقض و شکستن قوانین با اشاره ، زبان ، دست ، و در مواردی که

امری بسیار مهم و حیاتی است و شرع اجازه میدهد ضرب و جرح و بازداشت مجرمین و تحویل آنها به دادگاه اسلامى

تفصیل قوانین فوق بصورت یک آئین نامه مستقل تدوین و به تصویب شوراها میرسد .

ز- دستگاه قضائى جمهوری اسلامی و ولایت قضائیه

۱۰۵- انتخاب قضات شرع که رئیس محاکم قضائى اسلامى هستند بوسیله رئیس جمهور اسلامى میباشد .

۱۰۶- انتخاب قاضى شرع باید براساس ضوابط زیر انجام گیرد و در غیر اینصورت تعیین او بر منصب قضاوت

حائز نیست و در صورت نصب ، احکام او قانونى نمیشد .

۱۰۷- قاضى بایستى عاقل ، بالغ ، رشید ، مسلمان ، عادل ، مجتهد و فقیه بوده و افضل مردم علما و حلما و

ورعا و سخاا باشد .

۱۰۸- قاضى بایستى به فنون قضاوت بطوری آشنائى داشته باشد که امور پیچیده قضائى و دعاوى گوناگون

موجب تضییق او نگردد و بتواند با بینش علمى و فنى و حقوقى و هوش و ابتکار خویش این امور پیچیده را بخوبى

درک نموده و بر قوانین جمهوری اسلامى تطبیق نماید .

۱۰۹- قاضى بایستى احساساتى باشد و سخنان مدعى و مدعى علیه ، نباید او را تحت تاثیر قرار دهد و یا

خشمگین نماید ، بلکه بایستى در تحقیق دعاوى خونسرد بوده و با حوصله عمل کند .

۱۱۰- قاضى بایستى طمع و یا اغراض شخصى را در محاکمات دخالت دهد .

۱۱۱- قاضی بایستی با مطالعه و تهیه مدارک و دلایل لازم از انحراف و افتادن در لغزش و اشتباه خود داری نماید و اگر لغزش و به لغزش خود پی برد ، یا اشتباه او را ثابت کردند ، بدون تردید و یا تحصیر به حق باز گردد و از بازگشت به حق ابا نداشته باشد .

۱۱۲- بدون بررسی و تحقیق و مطالعات کافی و لازم در دعوی حکم ندهد و در شبهات بایستد و با تحقیق و مطالعه بیشتر حقیقت را کشف کند ، ولی پس از کشف حقیقت در دادن رای قاطع خود تردید ننماید و بدون فوت وقت رای دادگاه را صادر کرده و اجرا نماید .

۱۱۳- با مراجعین و مدعی و مدعی علیه با تساوی و احترام و محبت رفتار کند و هیچگونه بد اخلاقی نشان ندهد .

۱۱۴- قاضی بایستی خواهان تعریف و تمجید نبوده و تعریف و تمجید از او موجب اغراء و خود پسندی و انحراف او نگردد .

۱۱۵- سازمان و دوائر محکمه قضائی اسلامی هر محکمه قضائی تشکیل شده از یک قاضی شرع و دوائر دریافت دعاوی و آگاهی قضائی و تحقیق و دوائر امور اداری و بایگانی و شورای امناء مردم و اهل خبره و دادیاران و دائره گارد قضائی .

۱۱۶- دائره دریافت دعاوی و آگاهی قضائی که متشکل از کارمندان ورزیده‌ای است ، که کارشان دریافت دعاوی و رسیدگی به آنها ، بازجویی ، بازپرسی ، و جمع آوری مدارک و دلایل لازم و تحقیق در باره مظالم و جرائم و کشف حقایق میباشد .

۱۱۷- دوائر امور اداری و بایگانی که شامل دوائری میباشد که امور اداری و مالی و منشیگری و بایگانی و سایر امور مورد نیاز دادگاه را انجام میدهد .

۱۱۸- شورای امناء مردم و اهل خبره افرادی هستند که قاضی در مورد تفسیر و تطبیق موضوع دعاوی با آنها مشورت مینماید و با مشورت آنان کوشش میکند که از خطای در موضوع مصون بماند و همچنین اعضای این شورا بسه منزله شهود محاکمات او میباشد .

۱۱۹- دادیاران حقوقدانان و فقهائی هستند که در مورد حکم شرعی دعاوی ، مورد مناظره و تبادل نظر رئیس دادگاه قرار میگیرند .

۱۲۰- دائره گارد قضائی ضابطین دادگستری مستقیماً تحت فرمان رئیس دادگاه فعالیت می کنند و از او دستور میگیرند و بهمین سبب پس از صدور حکم دادگاه بلافاصله بدستور رئیس دادگاه حکم بدست گارد قضائی اجراء میگردد . اجرای حدود و تعذیرات و اداره زندانها بفرمان قاضی بعهدده گارد قضائی است .

۱۲۱- سازمان دادن دوائر محکمه قضائیه عدل اسلامی و تعیین تعداد کارمندان و انتخاب آنها در اختیار رئیس دادگاه ، یعنی قاضی شرع اسلامی است .

۱۲۲- اختیارات ولایت قضائیه - اختیارات قاضی در اسلام بسیار وسیع بوده و هر موردی را شامل می شود که موضوع آن اختلاف و یا مشاجره و یا تقاضای اجرای عدالت و یا مجازات و یا احقاق حق و تعیین ولایت ایتم و سایر ولایات مربوط به افراد که مورد مشاجره قرار میگیرند باشد .

۱۲۳- قاضی شرع میتواند هر فردی و هر مقامی را به محاکمه فرا خواند و از این نظر برای او محدودیتی نیست و بر فرد هم واجب است که دعوت قاضی شرع را اجابت نماید .

۱۲۴- محاکم قضائیه عدل اسلامی تنها مرجع ذیصلاح در رسیدگی به امور قضائی هستند و دادگاههای دیگری مانند دادگاههای نظامی و صنفی و یا اختصاصی وجود ندارد و در امور تخصصی و صنفی متخصصین هر فنی در شورای امناء و خبرهگان مردم شرکت نموده ، مورد مشورت قاضی قرار میگیرند .

۱۲۵- حدود اختیارات رسیدگی به امور قضائی و دعاوی به نوع اجتهاد قاضی شرع ( رئیس دادگاه ) ارتباط دارد . مجتهد مطلق جامع الشرایط الحکم والفتوی و مسلط کامل بر قضاء می تواند به هر نوع دعاوی رسیدگی کند و در تمامی امور قضائی دخالت نماید . اما مجتهد متجزی و قاضی شرعی که فقط در یک نوع و یا انواع خاصی از دعاوی اجتهاد و یا تخصص و مهارت دارد ، فقط می تواند در همان امور به دعاوی رسیدگی کند و بس .

۱۲۶- محاکم قضائی عدل اسلامی می توانند مستقلا و مستقیما به دریافت دعاوی و بازجوئی و بازبرسی و تحقیق و آگاهی از جرائم و مجرمین بپردازند و برای این منظور دوائر لازم را تشکیل دهند .

۱۲۷- دستگاه قضائی جمهوری اسلامی مستقل از دستگاههای اجرائی است و قوه مجریه تشکیلاتی در کنار محاکم قضائی ندارد یعنی دادسرا و دادستان و سایر نمایندگان قوه مجریه که در نظامات غیر اسلامی در امور دادگاهها دخالت میکنند در نظام اسلامی وجود ندارند و امور مربوط به دادسراها را خود دادگاهها مستقیما انجام میدهند .

۱۲۸- وظیفه وزارت امور قضائی نظارت و بازرسی محاکم قضائی و تحقیق در احکام قضا است که مطابق با عدل باشد و از موازین شرع منحصر نگردد ، و همچنین ایجاد هماهنگی بین محاکم قضائی و احکام صادره آنها و رفع اختلافات آنها در شورای عالی قضائی است .

۱۲۹- محکمه قضائیه عدل اسلامی در دادن حکم ، آزادی کامل دارد ولی ضامن و مسئول درست بودن رای خود حکماء و مصدقاء میباشد و در صورت ثبوت خطای قاضی خسارات وارده باید جبران گردد و در صورت اجرای حد دیه باید پرداخت شود .

۱۳۰- حکم دادگاه اسلامی قطعی است و تجدید نظر و استیناف و تسیز ندارد ولی اگر صاحبان دعاوی و یا متهمین رای دادگاه را عادلانه ندانند تنها مرجع رسیدگی به حل این اختلاف شورای عالی قضائی است که با مطالعه کامل یا رای دادگاه را تایید میکنند ، و یا دلیل رد رای دادگاه را به قاضی آن محکمه میفرستد و در صورتی که این منازحه اختلاف را حل نکند رای امام رای نهائی بوده و به اختلاف پایان می دهد .

۱۳۱- هر محکمه قضائیه عدل اسلامی اختیار تنفیذ احکام خود را مستقیما دارد . و در صورت عدم تمکن در اجرای حکم و یا عوامل دیگر ، اجرای حکم بر مسئولات دستگاه اجرائی جمهوری اسلامی واجب میگردد و در صورتی که دستگاه اجرائی بتلیلی نتواند حکم را به اجرا درآورد بر همه مسلمانان اجرای حکم واجب است و در مرحله اول برشهود محاکمه .

۱۳۲- اصول رسیدگی به دعاوی و محاکمات ؛ پس از رسیدگی کامل به پرونده با دلسوزی و مهربانی و حفظ حرمت و انجام تحقیق و بررسی کافی رئیس دادگاه بایستی مدعی و مدعی علیه را در کنار هم بنشاند و خود با فاصله مساوی ، از آندو بنشسته و فرصت مساوی برای هر کدام برای طرح دعاوی خود بدهد و در خطاب و در نگاه و اشاره نیز با آنها مساوی رفتار کند و پس از اتمام سخنان مدعی و مدعی علیه و اقامه تمام دلایل و شهود و در صورت لزوم بيمين و یا نکول آنگاه قاضی با شورای امنای مردم و خبرگان و دادیاران مشورت کرده و حکم نهائی را صادر می کند و بلافاصله نیز باید حکم اجرا گردد .

۱۳۳- دادگاه اسلامی تشریفات زائد ندارد اما گاه برای روشننگری و اصلاح جامعه و نهی مردم از منکرات و تشویق آنها به معروف و اعلای کلمه حق و اخفاض کلمه باطل مراسمی لازم می‌آید که در اینصورت آنچه موجب کمال تاثیر محاکمه در اصلاح مردم و مصلحت اسلام و جمهوری اسلامی است باید در دادگاه رعایت نمود.

۱۳۴- محاکمات همگی باید علنی برگزار شود و در صورت درخواست مردم به وسیله وسائل ارتباط جمعی، مردم نیز در جریان محاکمات قرار بگیرند، مگر آنکه محاکمه‌ای موجب هتک حرمت جامعه و یا افراد محترم شود و یا برای استقلال و حاکمیت جمهوری اسلامی خطرناک باشد، که در اینصورت شورای امنا و خبرگان مردم بایستی به عنوان شهود حضور داشته باشند و متعهد گردند که اسرار دادگاه را حفظ نمایند.

۱۳۵- احکام صادره دادگاه عدل اسلامی باید مختصراً شامل دلائل شرعی و قانونی قاضی و تطبیق آن بر دعوی باشد و علناً در دادگاه قرائت شود.

۱۳۶- پس از قرائت حکم، حکم دادگاه قطعی می‌یابد و قابل برگشت نیست.

۱۳۷- در جریان رسیدگی به دعوی هیچ کدام از افراد مربوط به دعوی حق میهمان کردن قاضی را ندارند و قاضی هم حق ندارد هیچکدام را میهمان نماید.

۱۳۸- در جریان رسیدگی به دعوی هیچکدام از افراد مربوط به دعوی حق پرداخت هیچ نوع وجه و یاهدیه‌ای را به‌هرنام به قاضی ندارند و قاضی نیز حق پرداخت هیچ وجه و یاهدیه‌ای را به این افراد ندارد. تبصره ۱- در صورتیکه قاضی به یکی از متهمین خود بدهکار باشد و یا بالعکس تا وقتی که حکم دادگاه داده نشده است طرفین حق پرداخت و دریافت بدهی خود را ندارند.

تبصره ۲- پس از پایان حکم دادگاه در صورتی افراد مربوط به دعوی حق پرداخت وجهی را به قاضی دارند که قبلاً پولی از او قرض گرفته باشند و این قرض دارای مدرک کتبی و رسمی باشد و در غیر اینصورت قاضی در مظان اتهام گرفتن رشوه خواهد بود و تا روشن شدن وضع و برائت او حق قضاوت نخواهد داشت.

۱۳۹- گرفتن رشوه به‌هرنام و بهر صورت چه قبل از محاکمه و چه در جریان محاکمه و چه بعد از پایان محاکمه برقاضی حرام است.

تبصره ۱- رشوه عبارت از هر چیزی است که برای تزییع حقی بنفع دیگری گرفته شود. اعم از اینکه پول نقد و یا کالا و یا خدمت و یا امتیازی باشد.

۱۴۰- هر قاضی که به تشخیص شورای عالی قضائی در مظان اتهام گرفتن رشوه قرار گیرد تا روشن نشدن وضعیتش از حق قضاوت محروم است ولی حقوق او پرداخت خواهد شد.

تبصره ۱- دعوی اتهام گرفتن رشوه قاضی ممکن است از سوی هر فرد اقامه شود.

تبصره ۲- ممکن است ماموران وزارت دادگستری با دلایلی قاضی را به گرفتن رشوه متهم کنند و یا ممکن است برای رفع سوء ظن و روشن شدن حقیقت مخفیانه قاضی را برای ادای توضیح بخوانند و در اینصورت پس از روشن شدن موضوع و رفع سوء ظن وزارت دادگستری باید امانت و عدالت وی را با صدور اعلامیه‌ای با دلایل مثبت به مردم تاکید نماید.

۱۴۱- مطالعه اتهامات مربوط به قضاوت بعهده وزارت دادگستری است.

۱۴۲- وزارت دادگستری پس از تحقیق و بررسی بدوی و تهیه پرونده میتواند محاکمه قاضی را به محاکم قضائی بسپارد و در یکی از محاکم قضائی اقامه دعوی کند و یا محاکمه او را به عهده شورای عالی قضائی نهد .  
۱۴۳- اگر قاضی متهم ، در دادگاه عدل اسلامی محکوم گردید از شغل قضاوت معزول گشتند و خسارات مالی و جانی ناشی از اعمال غیر قانونی او مطالبه گشته و بر اساس حکم دادگاه اسلامی مجازات خواهد گردید .  
۱۴۴- اگر قاضی متهم در دادگاه عدل اسلامی تبرئه شود ، از او اعاده حیثیت بعمل آمده و به شغل قضاوت بر میگردد و افرادی که بدو تهمت زده اند تحت پیگرد قانونی قرار میگیرند و به اتهام تهمت ، محاکمه گشته و حد قذف خواهند خورد .

۱۴۵- تامین مالی دادگاههای اسلامی مستقیماً بعهده بیت المال است .  
۱۴۶- رئیس هر دادگاه با ارائه صورت مخارج دادگاه اسلامی و حقوق کارمندان محکمه خود مستقیماً از بیت المال میتواند پول دریافت کند و رسید دهد .  
۱۴۷- برای هرگونه مخارج اضافی و یا اتفاقی هرگاه که رئیس دادگاه اسلامی بخواهد میتواند با دادن صورت مخارج از بیت المال پول دریافت کرده و به مسئول بیت المال رسید دهد .  
۱۴۸- تعیین مقدار حقوق کارمندان و رئیس دادگاه اسلامی بعهده خود رئیس دادگاه است .  
۱۴۹- مسئولان بیت المال نمی توانند از پرداخت وجه نقد به هر مقدار که رئیس دادگاه بخواهد استنکاف کنند .

تبصره ۱- رسیدگی به ضرورت و درستی تقاضاهای مالی رئیس دادگاه اسلامی بعهده وزارت دادگستری است .  
تبصره ۲- وزارت دادگستری با مطالعه رسیدهای رئیس دادگاه و تحقیق درباره مخارج دادگاه او باید تشخیص دهد که پرداخت های بیت المال بجا بوده یا نه .  
تبصره ۳- در صورتیکه کمیسیون بازرسی امور مالی وزارت دادگستری تشخیص دهد پولی را رئیس دادگاه به اسراف از بیت المال گرفته است وظیفه دارد از رئیس دادگاه مخفیانه توضیح بخواهد و در صورتیکه توضیح رئیس دادگاه برای او قانع کننده نبود باید در اینمورد برای رئیس دادگاه پروندهای ساخته و بر علیه او در یکی از دادگاههای عدل اسلامی و یا شورای عالی امور قضائی اقامه دعوی کند .

۱۵۰- شورای عالی قضائی شورائی است حداقل متشکل از ۴ نفر که بوسیله امام انتخاب میگرددند .

۱۵۱- وظائف و اختیارات شورای عالی قضائی بشورای عالی قضائی آخرین مرجع حل اختلافات مردم و محاکم قضائی و اختلافات قضات و مشاجرات قوای سه گانه و اختلافات محاکم قضائی و وزارت دادگستری است .  
۱۵۲- شورای عالی قضائی مسئول حفظ وحدت رویه دادگاههای عدل اسلامی و جلوگیری از اختلافات آراء قضات کشور جمهوری اسلامی است .

تبصره ۱- بمنظور نیل به هدف فوق شورای عالی قضائی میتواند مجالس مناظره ، کنگره ها ، کنفرانسها و اجلاسهای تهیه کند تا قضات کشور جمهوری اسلامی رویه واحدی را در محاکمات خود تعیین نمایند .

تبصره ۲- بمنظور نیل به هدف فوق شورای عالی قضائی میتواند آئین نامه های تنظیم

و پس از تصویب امام آنها را به دادگاههای عدل اسلامی ابلاغ نماید .



تبصره ۳- شورای عالی قضائی مسئول است فعالیت دادگاههای کشور جمهوری اسلامی را براساس این آئین - نامه‌ها هماهنگ نماید .

۱۵۳- شورای عالی قضائی رابط بین محاکم قضائی و قوه مجریه و مقننه است و آنها را با یکدیگر هماهنگ میسازد .

تبصره ۱- در ایجاد هماهنگی بین قوای سه‌گانه همواره حاکمیت قوه مقننه بر دو قوه دیگر ثابت خواهد بود .  
تبصره ۲- هماهنگی کلی بین همه دستگاهها و قوای سیاسی و مردم به عهده رئیس جمهور اسلامی است .

ز- اصول اساسی اقتصاد کشور جمهوری اسلامی ایران

۱۵۴- براساس مالکیت مطلق خدا بر تمامی ارکان اقتصادی و فعالیتهای اقتصادی ولایت و خلافت امر اقتصاد در دست رئیس جمهور اسلامی است .

۱۵۵- مالکیت امت و امام بخلافت و جانشینی خدا اساس همه انواع مالکیت‌های جامعه اسلامی است .

۱۵۶- منابع طبیعی براساس قانون انفال در مالکیت امام است . و هر فعالیت اقتصادی در رابطه با طبیعت مستقیماً زیر نظر دولت اسلامی و با برنامه ریزی او میباشد .

۱۵۷- برنامه ریزی فعالیت عوامل انسانی تولید براساس احکام و مقررات شرعی کار و مصوبات قوه مقننه و نیازهای جامعه اسلامی بعهده دولت اسلامی است .

تبصره ۱- برنامه ریزی فعالیت عوامل انسانی تولید در امور واجب بصورت برنامه‌ریزی متمرکز و اجباری و در سایر امور بصورت برنامه ریزی ارشادی است .

۱۵۸- مالک مطلق تمامی ابزارهای تولید خداست و خلیفه خدا در مالکیت بر ابزار تولید در مرحله اول امام و نائب امام است و ولایت آنها در تمامی اموال ثابت و بر تمامی مالکیت‌ها مقدم است .

۱۵۹- ابزار تولید اگر محصول کار فرد باشد در مالکیت فرد و صاحب مواد اولیه طبیعی ابزار تولید یعنی دولت اسلامی است .

کتابخانه آنلاین «طالقانی و زمانه ما»

تبصره ۱- مالکیت فردی بر ابزار تولید حق دولت اسلامی را بر ابزار تولید و ولایت عمومی او نفی نمی‌کند .  
تبصره ۲- دولت اسلامی حق دارد مزد کاری را که صرف ساختن ابزار تولید شده است به سازنده یا صاحب ابزار تولید بپردازد و به تنهایی صاحب ابزار تولید گردد .

۱۶۰- اگر ساختن ابزار تولید یا خرید آن گروهی باشد مالکیت بر آن ابزار تولید مشاع است که دولت اسلامی نیز بسبب مالکیت ، بر مواد اولیه طبیعی یکی از افراد مشاع خواهد بود .

۱۶۱- دولت اسلامی حق دارد براساس قانون خمس  $\frac{1}{5}$  قیمت ابزار تولید را عوارض بگیرد و یا  $\frac{1}{5}$  ابزار تولید را بابت خمس آن ابزار تولید برای همیشه مالک شود .

۱۶۲- ابزار تولیدی قابلیت مالکیت خصوصی دارد که تکاثر و یا کنز و یا دوله ایجاد ننماید .

تبصره ۱- تکاثر عبارت از تجمع ثروت‌های جامعه و تعدد آن در اختیار فرد و یا افراد بخصوص .

تبصره ۲- کنز عبارت از راکد کردن ثروت و انباشتن ثروت بیش از درآمد سرانه کشور جمهوری اسلامی .

تبصره ۳- دوله عبارت از اختصاص و انحصار ثروت های خاص ویا ابزار تولید به طبقه ای خاص که مربوط به ابزار تولید کمیابی است که مالکیت برآن انحصار برآن نوع ابزار تولید ایجاد می کند .

۱۶۳- ابزار تولیدی قابلیت مالکیت فردی است که ضرر و ضرار ایجاد ننماید .

تبصره ۱- منظور از ضرر مالکیتی است که به مسلمانان دیگر زیان می رساند .

تبصره ۲- منظور از ضرار مالکیتی است که به ضرر جامعه اسلامی و اقتصاد مملکت جمهوری اسلامی است .

۱۶۴- دولت اسلامی وظیفه دارد جلوی هر نوع مالکیت و فعالیت اقتصادی که ضرر و ضرار ایجاد نماید ،

بگیرد .

تبصره ۱- دولت اسلامی صاحبان اموالی که مالکیت برآن اموال ضرر و ضرار ایجاد مینماید مجبور خواهد شد

کرد که این نوع اموال را به دولت اسلامی بفروشند و در صورت خودداری از فروختن دولت اسلامی آنها مصادره خواهد

نمود .

۱۶۵- مالکیت بر صنایع بزرگ و صنایع مادر از آن دولت اسلامی است .

۱۶۶- دولت اسلامی وظیفه دارد که برای فعالیت تمام بخشهای تولیدی برنامه ریزی اجباری و ارشادی ایجاد

نماید .

تبصره ۱- هدف از برنامه ریزی فعالیتهای اقتصادی تامین نیازهای حال و آینده جامعه اسلامی و بالابردن

سطح درآمد ملی و رشد اقتصادی و بکار انداختن اقتصاد در خدمت هدفهای ایده نولوژیکی و سیاسی و اخلاقی اسلام

میباشد .

تبصره ۲- ضوابط برنامه ریزی فعالیتهای اقتصادی براساس ضوابط شرعی و وجوب تولید کالای واجب و ضروری

و ممنوعیت تولید کالای حرام و ارشاد در تولید سایر کالاهاست .

تبصره ۳- تولید باید به اندازه کفاف وسعه باشد و تولید در حد اسراف و تبذیر حرام است .

۱۶۷- توزیع ثروت در جامعه اسلامی باید عادلانه باشد و براساس اصل لیس للانسان الامسعی . به اندازه

نقشی که تلاش هر فرد در تولید ثروت داشته است آنفرد سهم دریافت کند و اگر تلاشی در فعالیت اقتصادی نکرده

باشد سهمی نداشته باشد .

۱۶۸- در توزیع عادلانه ثروت نخست باید نیاز نیازمندان مورد نظر باشد و تا نیازهای اولیه خوراک و پوشاک

و مسکن و آنچه مایه بقاء و سلامت انسان است به حد اقل لازم در جامعه توزیع نشده باشد هر فرد موظف است مازاد بر

احتیاج خود را بر محتاجان انفاق کند و در غیر اینصورت وظیفه دولت اسلامی است که نیاز نیازمندان را از بیت المال

تامین نماید و یا از افراد مذکور مازاد بر احتیاجشان را بگیرد و به افراد محتاج انفاق نماید .

۱۶۹- ثروت هایی که از راههای غیر اسلامی و با استفاده از مقررات ظالمانه رژیم پیشین بدست آمده است

باید به صاحبان اصلی و یا به بیت المال برگردد .

تبصره ۱- بیت المال سازمانی است که تمام درآمدهای دولت و اموال دولتی و ملی و تمامی انقاقات و زکوات

و اخماس و مالیاتها در آنجا جمع می گردد . و پس از کسر مخارج فعالیتهای دولت و کسر نیازهای عمومی و خدمات ملی

و کسر نیازمندیهای نیازمندان و افراد ناتوان و درمانده آنچه باقی می ماند به تساوی بین همه افراد جامعه اسلامی از

اعلی تا ادنی تقسیم میگردد .

۱۷۰- بازار کشور جمهوری اسلامی باید به قوانین شرعی متعهد باشد و بر موازین قسط فعالیت کند .

۱۷۱- قیمت کالا بر موزین قسط بوسیله دولت تعیین میگردد .

۱۷۲- بازار جامعه اسلامی بازاری کنترل شده است که بوسیله دولت اسلامی برنامه ریزی الزامی وارشادی شده و بر تمامی فعالیتهای آن نظارت میگردد .

۱۷۳- سازماندهی بازار اسلامی بر مبنای حفظ مصالح جامعه اسلامی بوسیله دولت اسلامی بنا بر اصل ولایت اقتصادی انجام میشود .

۱۷۴- هرگونه گرانفروشی و کم فروشی و احتکار و سایر فعالیتهای مفسد و مضر بحال افراد و جامعه و اقتصاد جمهوری اسلامی در بازار ممنوع و حرام است .

۱۷۵- دولت اسلامی وظیفه دارد که گمرکی ایجاد نماید تا واردات و صادرات را در جهت تامین نیازهای جامعه اسلامی و کنترل بازار و تامین منافع جامعه اسلامی در سطح بین المللی و رشد اقتصادی برنامه ریزی نماید .

۱۷۶- هیچ فرد و هیچ مقامی حق ندارد که معاملهای با کشورهای خارجی نماید و یا پیمانی منعقد کند که به ضرر اقتصاد جمهوری اسلامی و یا استقلال مملکت اسلامی باشد .

۱۷۷- سیاست پولی جمهوری اسلامی باید بر موزینی باشد که حق هر فرد را به خودش برساند و به هر فرد به اندازه نقشی که تلاش او در فعالیتهای تولیدی جامعه اسلامی داشته است قدرت خرید بدهد .

۱۷۸- سیاست پولی باید معتدل باشد ، پول نه باید در بازار کمیاب باشد و نه پریاب .

تبصره ۱- سیاست پولی نباید تورم زا باشد .

تبصره ۲- سیاست پولی نباید تحریک بازار را کم کند .

تبصره ۳- چاپ پول بدون پشتوانه ممنوع است .

۱۷۹- فعالیتهای ارزی نباید به ربا آلوده شود .

۱۸۰- هر نوع فعالیت ربوی در هر نام و پوشش حرام و ممنوع است .

تبصره ۱- فعالیتی ربوی است که یا ربای جنسهای مشابه باشد بصورت مبادله جنسهای مشابه با زیادتی به

هر شکل و صورت و یا ربای پول که مبادله پول ، با پول است با زیادتی یا بصورت ربای قرض و یا به صورت دیگر که

تمامی این صورتهای حرام و ممنوع است و بمنزله محاربه با خداست و عمل کننده بدان مفسد فی الارض شناخته میشود .

۱۸۱- در کشور جمهوری اسلامی فقط بانگهای دولتی وجود دارند

تبصره ۱- بانک های دولتی وابسته به بیت المال است و خدمات بانکی را مجانی در اختیار مردم قرار

میدهد .

۱۸۲- آئین نامه بانکها را اقتصاد دانان اسلامی بر اساس موزین اقتصاد اسلامی تدوین مینمایند و به تصویب

شوراهای مردم میرسد .

۱۸۳- موزین مصرف در جامعه اسلامی بر اساس کفاف و سعه است و هرگونه اسراف و تبذیر در مصرف حرام

است و در صورت عمل به اسراف ، مازاد بر احتیاج اموال فرد مسرف از او گرفته خواهد شد .

۱۸۴- موازن پس انداز در جامعه اسلامی براساس تعادل در بین سه عامل مصرف انفاق ، پس انداز خواهد بود .

تبصره ۱- در جامعه اسلامی بوسیله اقتصاد دانان اسلامی میزان حد اکثر پس انداز تعیین خواهد گشت و تجاوز از آن حد به موجب قانون حرمت کنز موجب مجازات و مصادره مازاد مقدار مجاز پس انداز خواهد بود .

۱۸۵- در کشور جمهوری اسلامی تمامی انواع بیمه ملی است و بیمه خصوصی نیز فقط بر اساس اصل جعاله و بدون دخالت محاسبات ربوی مجاز خواهد بود .

۱۸۶- دولت اسلامی موظف است از تولد تا مرگ نیازهای مردم را ضمانت کرده و در تمامی حوادث و نامالیمات و درماندگیها مردم را کاملاً تامین نماید .

۱۸۷- سیاست مالیاتی دولت اسلامی باید اخذ حقوق واجب شرعی و گرفتن ضرائب و عوارض براساس موازن عدل و مطابق نیازهای جامعه اسلامی باشد .

۱۸۸- مقررات مالیاتی و سایر مقررات مالی و اقتصادی جداگانه بصورت آئین نامه هائی بوسیله اقتصاد دانان اسلامی تدوین و از تصویب شوراهاى مردم خواهد گذشت .

\* \* \*

مدارك و ماخذ ما در تدوین این قانون اساسی عبارت است از

۱- قوه مقننه اصل حاکمیت " الله " و پیروی از کتاب و سنت .

۲- شوراهاى مردم از سوره شوری آیه ۳۸

والذین استجابوا لربهم و اقاموا الصلوة و امرهم شوری بینهم و ما رزقناهم ینفقون (شوری آیه ۳۸)

نتایجی که از این آیه گرفته میشود

الف - لفظ امرهم دلالت دارد که تمام امور غیر منصوص شامل حکم شوری است .

ب - در آیه فرموده است " شوری بینهم " و خطاب بینهم به همه مسلمانان است . و نگفته است شوری بینم و کلاً بهم . بنا براین ، این آیه دلالت بر شورای مستقیم همه مردم و دموکراسی مستقیم دارد ، نه شوری از طریق نمایندگان .

۳- در سیره پیغمبر امام علی نیز می بینیم آنها در امورشان مستقیماً با مردم مشورت می کردند ، نه از طریق نمایندگان شان و در نهج البلاغه خطبه هائی که در باره شوری موجود است از شورای مستقیم مردم سخن می گویند نه شورای نمایندگان آنها ، مثلاً در خطبه ۲۱۶ نهج البلاغه دکتر صبحی صالح و در تحف العقول در عهد نامه مالک اشتر از شورای مستقیم مردم سخن میگوید و نمایندگان شوراها وکیل آنها نیستند ، بلکه متکلم آنها هستند چنانکه در این عهد نامه میگوید حتی یکلمک متکلمهم .

۴- صفات ریاست جمهوری از خطبه ۱۲۳ و ۱۳۱ و ۸۲ نهج البلاغه تنظیم دکتر صبحی صالح گرفته شده است و انتخابات دوماهه در نهج البلاغه براساس شورا و بیعت آمده است ، که شورا بوسیله اهل علم و بصیرت است و بیعت بوسیله مردم .

۵ - مسئولیتها و وظایف رئیس جمهور اسلامی از تحف العقول ، عهد نامه مالک اشتر و آخر خطبه ۳۴ و آخر خطبه ۱۰۵ و خطبه ۲۱۶ از نهج البلاغه دکتر صبحی صالح گرفته شده است .

۶ - نبودن نخست وزیر و ترکیب کابینه دولت اسلامی از تحف العقول ، عهد نامه مالک اشتر قسمت شرح وظایف کتاب گرفته شده است .

۷ - درباره قوه قضائیه و صفات قاضی از تحف العقول ، عهد نامه مالک اشتر و وسائل الشیعه ، کتاب القضاء استفاده شده است .

۸ - احکام اقتصادی هم از کتاب وسائل الشیعه جلد شش و دوازده و سیزده و هفده و کتاب اقتصادنا و تحقیق شخصی در این باره استفاده شده است .